

# بزه‌های سازمان‌یافته، امنیت و پلیس

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۳/۲۰

تاریخ تأیید: ۱۳۸۸/۴/۱۵

حسن عالی پور\*

## چکیده

در نگاه حقوق کیفری بزه‌های سازمان‌یافته تنها یک ویژگی برجسته دارد و آن شیوه انجام به طور برنامه ریزی شده، است. این نکته نشان می‌دهد این دسته از بزه‌ها در سنجش با دیگر بزه‌ها دسته‌ای نوین نیستند و بر وارونه آن هر بزه عمدی را می‌توان به طور سازمان‌یافته انجام داد. در عین حال، در بزه‌شناسی، بزه‌های سازمان‌یافته جدا از شیوه ارتکاب که چهره راستین آن است، دو ویژگی دیگر را نیز دارا است که یکی در مالی بودن و دیگر در فراملی بودنش است. سه ویژگی بالا هنگامی که با کنشگران (فاعلان) بزه سازمان‌یافته پیوند داده می‌شود؛ نقش امنیت به عنوان موضوع این بزه‌ها آشکار می‌شود. با این حال، بر وارونه تروریسم که بیشتر بر ضد شهروندان بیگناه رخ می‌دهد، بزه‌های سازمان‌یافته رفتارهایی بر ضد امنیت اقتصادی و امنیت ملی‌اند. پیگرد آنها از سوی پلیس به هیچ روی سنجش‌پذیر با بزه‌های خیابانی و خشونت‌آمیز نیست. به دلیل پیوند بزهکاران سازمان‌یافته با قدرت و نیز به جهت گرامی‌داشتن ظاهری قانون و پاس‌داشتن هنجارها از سوی آنان، پلیس در شناخت و پیگرد این دسته از بزهکاران، پیروزی چشمگیر نداشته است.

**کلیدواژه‌ها:** بزه‌های سازمان‌یافته، امنیت، پلیس، پیگرد، پیشگیری

\* دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی از دانشگاه شهید بهشتی و همکار علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی.

Hassan. Alipur @ gmail

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال دوازدهم • شماره دوم • تابستان ۱۳۸۸ • شماره مسلسل ۴۴

## مقدمه

از زمان پیدایش قانون، کیفر بزهکاران توسط دولت‌ها ضابطه‌مند گردید و در زیر سایه حقوق کیفری که قانون، چارچوبش به شمار می‌رود، همه مگر در زمانی که مرتکب بزه‌ی شوند، از گزند کیفر دور بودند. به راستی که پیدایش حقوق کیفری در معنای امروزی، روزنه‌ی امیدی بود برای حقوق و آزادی‌های فردی و از همین زمان، همگان امید می‌داشتند که حقوق کیفری در پاسبانی از آزادی‌ها، گام‌های نوی بردارد. البته چنین هم شد و حقوق کیفری، چه در زمینه بزه و کیفرزدایی و نیز کاهش سنگینی کیفرها و چه در زمینه پیش‌بینی نهادهای مناسب به حال متهم در آیین دادرسی کیفری، پیشرفت کرد تا جایی که پس از نیمه دوم سده بیستم، حقوق کیفری از در آشتی با متهمان و بزهکاران درآمد و نام حقوق کیفری درمانی یا پرورشی به خود گرفت. نهادهایی چون اقدامات تأمینی و تربیتی، تعلیق پیگرد، تعلیق مراقبتی، آزادی مشروط و جابه‌جایی کیفر همه برای این بود تا راه بزهکار از راه جامعه زده نشود، ولی ناآگاه از اینکه حقوق کیفری با مهربانی و امید بیجا در ناتوانی خود می‌کوشید و زمینه را برای دست‌اندازی‌های دولت‌ها فراهم می‌ساخت؛ زیرا شیوه درمان و پرورش حقوق کیفری نسبت به دو دسته از بزهکاران کارگر نیفتاد و حتی آنان را گستاخ‌تر و نیرومندتر ساخت. این خود بهانه‌ای بود برای آمیخته‌کردن حقوق کیفری با سیاست‌های دولت: یکی بزهکارانی که به بازبارگی بزه (تکرار بزه)، خو گرفته بودند و دیگری بزهکاران سازمان‌یافته.

بزهکاران دسته یکم، با تکرار هر بزه‌ی، شخصیت ضد اجتماعی خود را بیش از پیش بروز داده و کم‌کم از جنبه سرزنش‌پذیری بزه دور شدند. اینان بزه را همچون میثاق راه زندگی و افزار خوشگذرانی می‌دانستند و اگر پس از انجام بزه، دوباره به دام قانون گرفتار می‌شدند، در بستر زندان یا جاهای همسان می‌آسودند و بدون اینکه برای زندگی در جامعه آماده گردند، آهنگ‌های بزهکارانه نوی را در ذهن خود می‌ساختند. در نتیجه، حقوق کیفری از فراگیری هنجارهای اجتماعی توسط این دسته ناامید شده و راه درست را همان سختگیری، ناتوان‌سازی و دورکردن محکوم از جامعه دانست. رویکرد سختگیرانه به چنین بزهکارانی با قانون‌های سه ضربه ایالات متحده آغاز و به برخی کشورهای دیگر نیز رخنه کرده است.

ولی دسته دوم که روی سخن ما با آنهاست؛ یعنی بزهکاران سازمان‌یافته، کسانی بودند که کمتر در دام دادگری (عدالت) کیفری گرفتار می‌شدند و در صورت پیگرد و محکومیت، کیفر هیچ تأثیری در پرورش آنها نداشت، چه این دسته از بزهکاران، خود پرورش‌یافته و سالم‌اند و راهکارهای درمانی یا رواداری (تساهل) برای آنها بی‌معنی است. این دسته خود دو گونه‌اند: گروهی که به سمت بزه‌های کلان مالی و اقتصادی مانند پول‌شویی و قاچاق می‌روند که اینان با سازماندهی اندام‌ها (اعضا) و هواخواهان خود، به عنوان بازیگران جنایی، از مرزهای کشورها گذشته و جنبه فراملی به رفتارهای خود داده‌اند. اینان به راستی بازیگران بزرگ بین‌المللی شده‌اند که خود را در عرض دولت‌ها به همگان شناسانده‌اند. دستگاهی که بزهکاران سازمان‌یافته در چیده‌اند، هرچند از دید قانون‌های داخلی کشورها و سندهای بین‌المللی غیرقانونی و نارواست، ولی برنامه و نیرو دارد و برای هدف‌های نگران است و سرسختانه آنها را دنبال می‌کند. رفتارهای بزهکاران سازمان‌یافته از دید خود، همان اندازه قانونی است که رفتار دولتها. همچنین، برای پیروان خود همان اندازه سودمند هستند که دولتها برای شهروندانشان. در این بستر، سازمان‌های جنایی با چیزی که دولتها آن را بزه می‌نامند، زندگی می‌کنند و باوری به بزه بودن رفتارشان ندارند. حقوق کیفری کشورها در برابر این سازمان‌ها که "شخصیت حقوقی بزهکارانه" یافته‌اند، همان اندازه چالش دارد که روزگاری برای کیفر اشخاص حقوقی داشت. دسته دوم تروریست‌ها هستند. اینان در بالای هرم بزهکارانی جا می‌گیرند که هدف‌ها و رسالت‌های حقوق کیفری را به سخره گرفته‌اند. تروریست‌ها نه تنها رفتار خویش را که از دید قانون، کیفر شدنی است، بزه نمی‌دانند که آن را ارزش می‌دانند و در راه آن جان می‌دهند. در تروریسم، کمتر روان‌شناسی فردی مطرح می‌گردد تا حقوق کیفری بتواند آن را بشناسد و هماهنگ با رفتار و شخصیت‌اش کیفر پیش‌بینی کند. در تروریسم، «روانشناسی گروه، سازمان و اجتماع است که مهم می‌باشد و بزرگ‌ترین قدرت تحلیلی را در درک این پدیده پیچیده فراهم می‌آورد. لذا تروریست‌ها شخصیت و هویت خود را تحت تأثیر هویت جمعی از دست می‌دهند و به جای آن هویت جمعی را می‌پذیرند.»<sup>(۱)</sup> در دید تروریست‌ها، قانون افزار دست قدرتمندان برای برجای‌نشاندن مردم است و در این میان، حقوق برخی گروه‌ها مانند گروه‌های مذهبی، زبانی، نژادی و قومی از رهگذر همین قانون‌های کیفری، به ویژه زمانی که به اجرا در

می‌آیند، سر بریده می‌شود. از این رو، بزه‌های تروریستی، پاسخ باورگونه اما خشنی است به دولت و در واقع چنانکه بر زبانها انداخته‌اند، تروریسم چهره نوینی از جنگ است که هواخواهان آن رو در روی دولت می‌ایستند.

امروزه، به دلیل پیوند تنگاتنگی که میان بزه‌های سازمان‌یافته مالی و تروریسم هست، بدون بررسی هریک از آنها، نمی‌توان به درستی آن دیگری را شناخت. تروریست‌ها، شیوه‌های خشونت آمیز انجام بزه را به بزهکاران سازمان‌یافته می‌آموزند و با رفتارهایشان بستر بزه‌های سازمان‌یافته را فراهم می‌کنند. از این سو نیز بزهکاران سازمان‌یافته با کنش‌هایی مانند پول‌شویی، از جهت مالی، تروریست‌ها را پشتیبانی می‌کنند. در رویکرد این نوشتار، سازمان-یافتگی، ویژگی شیوه انجام آنهاست نه اینکه به راستی دسته‌ای نوین از بزه‌ها به نام بزه‌های سازمان‌یافته نیز هست. از این رو، تروریسم یا هر رفتار بزهکارانه دیگری (مگر بزه‌های غیرعمدی) می‌تواند سازمان‌یافته باشد، ولی اکنون بزه‌های سازمان‌یافته بیشتر بر رفتارهای بزهکارانه‌ای مانند قاچاق، پول‌شویی و فساد گفته می‌شود که در اندازه کلان، در پی سود نامشروع است. از این دریچه، گاهی به جهت پیوند تروریسم با هدف‌ها و راهکارهای مالی مانند تأمین مالی تروریسم، این پدیده در زمره بزه‌های سازمان‌یافته به شمار آمده است. در این نوشتار، افزون بر شناخت بزه‌های سازمان‌یافته، کوشش خواهد شد تهدید این دسته از بزه‌ها بر ضد امنیت و سپس اندیشه‌های پلیسی و تلاش‌های پلیس در رویارویی با آنها بررسی گردد.

### الف. تبار بزه‌های سازمان‌یافته

بزه‌های سازمان‌یافته بر پایه شیوه انجام، شناخته می‌شوند. نمی‌توان دیرینه روشن و آشکاری برای آن دید و نشان پای آنها در هر برهه از تاریخ دیده می‌شود. بزه‌های سازمان‌یافته، در گذشته، دو ویژگی برجسته داشتند: نخست آنکه پیوند استواری با اندازه و چگونگی امنیت داشتند. سازمان‌یافتگی بزه‌ها در پرتو ناامنی و نبود کنترل از سوی قدرت مرکزی افزایش و با استواری نیروی فرمانروایان کاهش می‌یافت. دوم آنکه، بیشتر در بیرون از شهرها و روستاها رخ می‌دادند. نمونه برجسته آن، دسته‌های دزدان یا گروه‌هایی بودند که به کاروان‌ها دست انداخته و دارایی آنها را به غارت می‌بردند. هرچند در هنگام سستی فرمانروایی مرکزی،

روستاها و شهرها نیز از گزند یورش دسته‌های بزهکاران در امان نبودند. بدین حال، پیشینه بزه‌های سازمان‌یافته بسیار پررنگ بوده است، چندانکه برخی با «انگشت گذاشتن به داستان «علی بابا و چهل دزد» جای پای بزه‌های سازمان‌یافته و فساد را در زنجیره فرمان‌رانی عباسی جستجو کرده‌اند»<sup>(۲)</sup> و برخی دیگر نیز واژه «تاگ» را که در سده سیزدهم بر باندهای بزهکار در هندوستان بار می‌شد، از نخستین ریشه‌های بزه‌های سازمان‌یافته می‌دانند. در این هنگام، تاگ‌ها یا باندهای بزهکار شهر به شهر پرسه می‌زدند و به چپاول و گردنکشی می‌پرداختند.<sup>(۳)</sup> نکته کلیدی بزهکاری سازمان‌یافته، پیوندی و آشتی‌ای است که میان بزهکاران مالی و تروریست‌ها هست و اگر این پیوند نباشد، هر دو دسته توان زیستن ندارند. جدا از اینکه «بزه‌های تروریستی از جمله بزه‌های پایه‌ای<sup>۱</sup> برای پول‌شویی هستند»<sup>(۴)</sup>، در این دادوستد، تروریست‌ها در پیکار با دولتها، بستر بزه‌های سازمان‌یافته مالی را فراهم می‌کنند و در برابر، بزهکاران دسته روبرو به ویژه پول‌شوها، تروریست‌ها را پشتیبانی مالی می‌کنند. از این‌رو، بدون توجه به هر دو دسته نمی‌توان فهمید حقوق کیفری پرورشی چگونه به حقوق کیفری امنیتی تبدیل شد. بزه‌های تروریستی، بزه‌های سازمان‌یافته و قاچاق که به «سه‌گانه نامقدس»<sup>۲</sup> زبانزد شده‌اند،<sup>(۵)</sup> چرخه بزرگی پدید آورده‌اند که همدیگر را پشتیبانی می‌کنند و از همین دریچه است که نگرانی دولتها افزایش یافته و برخی را به این باور رسانده که «پیدایش گروه‌های تروریستی و سازمان‌های جنایی فراملی را تولد نامشروع یک نظام جدید در عرض دولت می‌دانند و آنها را نوعی بازیگر در عرض دولت یا سازمان‌های بین‌المللی می‌دانند که برای حاکمیت دارای خطر امنیتی است»<sup>(۶)</sup>

دوران جنگ سرد، زمان سر برآوردن سازمان‌های جنایی بین‌المللی بود که گاه‌گاه با چهره شرکت‌های چندملیتی پا به هستی می‌گذاشتند. در این زمان، رفتارهای غیرقانونی شرکت‌ها مانند قاچاق و فساد مالی، هر چند در ظاهر بر پایه قانون‌های کشورها، بزه بود ولی در باطن، سبب پیوند اقتصادی و تجاری پنهان میان ایالات متحده و جماهیر متحده شده بودند و راه جلوگیری از برخورد نظامی میان دو ابرقدرت جهان را فراهم می‌ساختند و اگر بزه‌های

1. Predicate Offences  
2. Unholy Trinity

سازمان‌یافته فراملی (که به ظاهر در سایه رقابت‌ها و تهدیدهای دو ابرقدرت قرار داشتند) نبودند، روشن نبود چه دستاویزی برای آغازنشدن جنگ میان شوروی و آمریکا وجود داشت. (۷) به سخن دیگر، در این دوران، بزه‌های سازمان‌یافته فراملی که بیشتر از سوی شرکت‌های چندملیتی رخ می‌داد؛ پیش از آنکه چالش امنیتی دولت‌ها باشد، پدیده‌های عادی بودند که بسته به وضعیت‌های پیش آمده، گاه گاه چهره منفعت ملی به خود می‌گرفتند. حتی گروه‌های تروریستی نیز در این زمان به خدمت دولت‌ها در می‌آمدند تا در هم‌آوردی میان آنها از رهگذر اقدام‌های خشونت‌آمیز به کار گرفته شوند.

برخی امنیت در دوران جنگ سرد را امنیت سخت می‌نامند که با جنگ بین ابرقدرت‌ها، تهدید می‌شد و درمان آن نیز ترازمندی نیروی ابرقدرت‌ها بود و امنیت دوران پس از جنگ سرد را امنیت نرم می‌دانند که با بزه‌های سازمان‌یافته تهدید می‌شود و درمان آن نیز پیشگیری از این چنین رفتارهایی است. (۸)

بزه‌های تروریستی، اما کمی دیرتر جنبه بین‌المللی به خود گرفت. پس از پایان‌یافتن دوران جنگ سرد و درهم شکستن ابرقدرت شرق، یکه‌تاز سیاست‌های جهان، ایالات متحده شد و نقش پیشوایی<sup>۱</sup> و جهت‌دهی این کشور، هم تروریسم می‌ساخت و هم تروریسم از میان برمی‌داشت. (۹) نمی‌توان ادعا کرد پیدایش تروریسم کنونی، از دست‌های آمریکا بیرون آمده، ولی این کشور به دو دلیل سبب دگرگونی و گسترش تروریسم از حیث معنا و محدوده شد: یکی در پشتیبانی گروه‌های تروریستی و پیکارجو در زمان جنگ سرد مانند هواداری از طالبان در افغانستان و دیگری در رهبری جهان که این خود سبب پیدایش دشمنی‌ها با این کشور گردید. پس از جنگ جهانی دوم، کشورها ناوابستگی سیاسی یافتند و چون پس از سپری شدن جنگ سرد، احتمال درگرفتن جنگ بزرگ میان کشورها کم‌رنگ گردید؛ از یک سو گروه‌های تروریستی و پیکارجو برای آسیب‌زدن به نظم جهانی کنونی دست به کار شدند و از سوی دیگر نیز با کم‌رنگ شدن تهدیدهای بیرونی برای بیشتر کشورها، بزه‌های تروریستی و بزه سازمان‌یافته، برجسته‌ترین چالش امنیتی کشورها به شمار رفت و این خود زمینه دخالت دولت‌ها

در نهادهای قانون‌گذاری و قضایی را فراهم ساخت تا سیاست‌های امنیتی خویش را در سیاست‌های قضایی و کیفری وارد سازند.

جداسری همه دولت‌ها در نیمه دوم سده بیستم، امنیت ملی را پیش از بیش برجسته کرده و با پایان یافتن جنگ سرد، مصداق‌های امنیت نیز را به طرز چشمگیری افزایش یافت. پس از جنگ سرد، امنیت ملی در سه گام دگرگونی داشته است:

«مرحله نخست کاهش حاکمیت ملی است که با ویژگی‌هایی چون ظهور بازیگران غیردولتی، نفوذپذیری مرزهای ملی، تجزیه ملت‌ها، خوداتکایی کمتر در سطح ملی، گسترش تکنولوژی و پنخش قدرت نمود یافته است. مرحله دوم بالا رفتن وابستگی متقابل بین المللی است که نمونه‌های آن را می‌توان در حرکت از نظام دو قطبی به چند قطبی، افزایش موج منطقه‌گرایی، یکسان شدن سلیقه‌ها و فن‌آوری، استاندارد شدن سیستم‌های تسلیحاتی، افزایش مهاجرت و گسترش دموکراسی و سرمایه‌داری دید. مرحله سوم افزایش کشمکش‌های پراکنده و بدون نظم است که از جمله ویژگی‌های آن، وقوع کمتر جنگ‌های سازمان‌یافته در سطح کلان، کاهش برخوردهای ایدئولوژیکی و ارضی، شکست بازدارندگی، افزایش منازعات قومی، افزایش کشمکش‌های غیررسمی کم شدت و افزایش تنش‌های مشهود فراملی و فراملی است.» (۱۰)

بزه‌های سازمان‌یافته و تروریستی از درون همین دگرگونی‌ها برخاسته‌اند و از این‌رو، در زیر چالش‌های امنیتی بیشتر دولت‌های جهان جا گرفته‌اند که این خود نشان از پیشرفت روز-افزون امنیت ملی به دیگر حوزه‌ها به ویژه حوزه‌ی حقوق کیفری است.

از دید تروریست‌ها نیز رفتاری که انجام می‌دهند، بزه نیست. در دید آنها خشونت یا تهدید به آن، گونه‌ای پیکار در راه خواسته‌های به حقشان است و این طرز اندیشه که در راه به دست آوردن خواسته‌ها باید با دولت یا دولت‌ها جنگید؛ «تروریست‌ها را دارای آرمان جلوه می‌دهد، به آنان نوعی منزلت می‌بخشد و اعمال آنها را در همان مقوله رفتار پذیرفته‌شده بین‌المللی قرار می‌دهد.» (۱۱) از این‌رو بسیاری از گروه‌های تروریستی حساب خود را از بزهکاران سازمان-یافته یا قاچاقچیان بین‌المللی جدا می‌کنند و «به دلیل از دست ندادن پشتیبانی‌های مادی و

معنوی دولت‌ها، تلاش می‌کنند در تجارت بین‌المللی مواد مخدر با بزه‌کاران سازمان‌یافته همکاری نکنند.» (۱۲)

رویکرد سندهای بین‌المللی بیشتر برای پیکار با بزه‌ تروریستی است و گرنه از لابه‌لای آنها نمی‌توان چپستی و مفهوم این بزه را روشن ساخت. راستی آن است که بزه‌ تروریستی بر دو ستون استوار است: یکی انگیزه و آهنگ رفتار و دوم نتیجه آن. دیگر ویژگی‌ها مانند سازمان‌ یافتگی یا چندتایی مرتکب یا خشونت نسبت به جان و مال، تنها چهره غلبگی دارند. از این‌رو، برجستگی تروریسم به آن جهت است که مرتکب آن، آهنگ پیکار با قدرت را دارد و در این راه می‌خواهد به برآیند انگیزه‌اش که همانا هراس همگانی یا هراس دولت‌مردان است، دست یابد. با این حال، بزه‌ تروریستی با یک نفر نیز انجام شدنی است و نیازی به بنیاد نهادن گروه و سازمان‌ یافتگی آن نیست و بزه‌ دیده نیز نقش برجسته ندارد؛ چه رخداد‌های دیگر، بسیار بیشتر از تروریسم جان می‌ستانند، ولی بسیار کمتر نگاه‌ها را به خود می‌دوزند. بنابراین، با آنکه « کشته‌های سیگارکشی در هر سال ۱۰۰ برابر بیشتر از ۳۰۰۰ کشته‌ی رخداد تروریستی یازدهم سپتامبر است، ولی این رخداد تروریستی، بارها بیشتر از سیگارکشی، نگرانی دولت و مردم را /نگیخته است.» (۱۳) هرچند باید گفت اقدام تروریستی به دلیل آنکه آگاهانه و از روی عمد، زمینه کشته‌شدن شهروندان را فراهم می‌سازد، با پیامدهای سیگارکشی سنجش‌ناپذیر است، ولی باید گفت نگرانی دولت و مردم از بابت سه هزار شهروند کشته شده نیست، بلکه به دلیل هراس از خطرناکی تروریسم و برنامه‌های آینده آنان است، همان چیزی که تروریست‌ها می‌خواهند و ستون بزه‌ تروریستی را شکل می‌دهد. باری چون آهنگ بنیادین تروریست‌ها هراس- افکنی است، بنابراین « ایجاد وحشت، ماهیت تروریسم است.» (۱۴) نه خشونت‌ورزی یا تهدید. جدا از چالش مفهومی و مصداقی تروریسم، مشکل دیگر آن، همسانی‌اش با دیگر بزه‌هاست. اقدام تروریستی تنها با رکن روانی مرتکب از بزه‌های خشن مانند قتل عمد، ضرب و جرح و گروگان‌گیری جدا می‌شود. همچنین، گرایش بر این است تا تروریسم همچون یک رفتار « ناقص قواعد حافظ صلح و حقوق بشر و در نتیجه به عنوان جنایت بین‌المللی» (۱۵) دانسته شود، ولی این گرایش تنها نسبت به گونه‌ای ویژه از تروریسم که همان تروریسم بین‌المللی است، راست می‌نماید و آن هم نسبت به شدیدترین رفتارهای تروریستی. و گرنه، بزه



تروریستی بین‌المللی، رفتاری بر ضد دولت و هدف آن هراس‌افکندن در میان مردم یا دولت-مردان برای رسیدن به هدف‌های خاص است و این را نمی‌توان اقدامی ناقص صلح بین‌المللی دانست. تروریسم، همچنین، در همه گونه‌ها و رفتارها، ویژگی‌های بزه‌های چهارگانه اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی را ندارد؛ چه این پدیده یک بزه ذاتاً بین‌المللی نیست مگر درباره تروریسم دولتی که با نسل‌زدایی و جنایت بر ضد بشریت هم‌پوشانی خواهد داشت.

اقدام‌های تروریستی (به ویژه در سطح بین‌المللی)، بیشترین نزدیکی را با فساد و بزه‌های سازمان‌یافته دارند. فساد (به ویژه پول‌شویی)، زمینه‌سازِ پاگرفتنِ تروریست‌ها و همچون کمک‌های پشت‌جایگاه نبرد است. بزه‌های سازمان‌یافته، سازمان‌یافتگی، نظم، برنامه‌ریزی و آینده‌نگری را به تروریست‌ها می‌آموزد. آن‌سو نیز گروه‌های جنایی سازمان‌یافته، از به کارگیری شیوه‌های تروریست‌ها دوری نمی‌کنند. برای نمونه، برخی گروه‌های جنایی سازمان‌یافته، کالاشینکف تروریست‌ها را بیشتر از لوپارا می‌پسندند (۱۶) و این جمله که «اگر فلانی سر به نیست شود، دنیا به آخر نمی‌رسد» (۱۷) سخن شناخته شده هنگام خوردن شام در رستوران است. تروریست‌ها مانند اعضای سازمان‌های مجرمانه، معمولاً به صورت برنامه‌ریزی شده و هدفمند اقدام می‌کنند. با وجود اینکه در بیشتر اقدام‌های تروریستی، کسان بیگناه آماج حملات هستند. ولی اقدام‌های مزبور، از آن‌رو درخواست تروریست‌هاست تا به هدف و خواسته خود در برابر حکومت یا اشخاص دیگر برسند.

جدا از همسانی‌های بزه‌های تروریستی با جرایم سازمان‌یافته، پیوند گروه‌های جنایی سازمان‌یافته با قربانیان خود، بسیار نزدیک‌تر از گروه‌های تروریستی است. بزهکاران سازمان‌یافته بخش عمده رفتارهای خود را از رهگذر بزه‌دیدگان و کسان ناآگاه انجام می‌دهند. آنها با شناسایی قربانیان و برقراری پیوند با آنها، در به دست آوردن اعتمادشان برای انجام رفتارهای جنایی مورد نظر خود می‌کوشند ولی در برابر، گروه‌های تروریستی نه تنها از قربانیان خود برای ارتکاب بزه تروریستی بهره نمی‌برند، که در بیشتر جاها، قربانیان تروریسم کسانی هستند که تروریست‌ها پیش از ارتکاب آنها را نمی‌شناسند.

گروه‌های تروریستی معمولاً با انگیزه سیاسی، رفتارهای بزهکارانه خود را انجام می‌دهند، ولی گروه‌های جنایی سازمان‌یافته، انگیزه‌های مالی دارند. از این‌رو، اقدامات تروریستی هر چند به

صورت سازمان یافته ارتکاب یابند، در زیر جُنگ بزه‌های سازمان یافته قرار نمی‌گیرند؛ زیرا بزه‌های سازمان یافته، به ویژه در سطح فراملی، با انگیزه‌های مالی ارتکاب می‌یابند و حال آنکه «اقدام‌های تروریستی با انگیزه‌های سیاسی انجام می‌شوند. همین‌طور تروریست‌ها در جریان رسیدگی کیفری بیشتر اتهام وارده را می‌پذیرند، ولی رفتار موضوع اتهام را بزه نمی‌دانند.» (۱۸) البته این سنجه جداسازی میان اقدام تروریستی و بزه‌های سازمان یافته، همواره راست نیست؛ چه سردمداران مافیا که در زمره برجسته‌ترین گروه‌های جنایی سازمان یافته است، «قاچاق مواد مخدر را نه تنها با انگیزه مالی که با انگیزه سیاسی به ویژه برای تأثیر گذاشتن یا نظارت بر اداره‌های دولتی انجام می‌داند.» (۱۹)

در هر حال، آنچه در شناسایی درست بزه‌های سازمان یافته همچون یک ستون به شمار می‌رود، شیوه انجام است. سازمان‌یافتگی، ویژگی رفتار بزهکار است و چنانچه قانونگذار بخواهد آهنگ پیکار با بزه‌های سازمان یافته را داشته باشد، باید سازمان‌یافتگی را کیفیت تشدیدکننده کیفر ببیند نه اینکه آن را بزه جداگانه در عرض بزه‌های دیگر بداند. کاری که ماده ۵ قانون الحاق به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان مصوب ۱۳۷۰/۹/۳ انجام داده است. بر پایه این ماده، «اعضا» مراقبت خواهند نمود دادگاهها و سایر مراجع صالحه آنها بتوانند کیفیات واقعی مشدده در ارتکاب جرایم موضوع بند ۱ این ماده را ملحوظ قرار دهند، کیفیاتی از قبیل:

(الف) دخالت گروه سازمان یافته بزهکار در جرم که مجرم به آن گروه وابستگی دارد.

(ب) دخالت مجرم در سایر فعالیتهای مجرمانه سازمان یافته بین‌المللی.»

در برابر، در سال‌های کنونی که واژه «جرایم سازمان یافته» بر زبان‌ها افتاده و بسیار پرکاربرد شده است، قانون‌گذار پنداشته که آن یک دسته نوین از بزه‌هاست؛ چندانکه ماده ۲ قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳/۴/۲۸ پیش‌بینی می‌کند: «اعمال زیر در حکم «قاچاق انسان» محسوب می‌شود: ... ب- عبور دادن (خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت)، حمل یا انتقال مجاز یا غیرمجاز فرد یا افراد به طور سازمان یافته برای فحشا یا سایر مقاصد موضوع ماده (۱) این قانون هرچند با رضایت آنان باشد.»

## ب. بزه‌های سازمان‌یافته بر ضد امنیت

دانستن جایگاه و اندازه چاره‌اندیشی‌های پلیس در برابر بزه‌های سازمان‌یافته وابسته به این است که بدانیم این بزه‌ها بر ضد چه چیزی و در چه سطحی ارتکاب می‌یابند. پاسخ به این پرسش نشان خواهد داد پلیس به چه اندازه باید خود را بسیج نماید و ابزارهای بایسته را فراهم بیند.

بزه‌های سازمان‌یافته از جهت موضوع وابسته به بزه اصلی هستند؛ یعنی باید دید که بزه اصلی در حالت ناسازمان‌یافتگی بر ضد چه چیزی است تا بتوان در حالت سازمان‌یافتگی درباره آن نیز داورى کرد. برای نمونه، در کشتن انسان، جان و در کلاهبرداری، مال و در اختلاس، دارایی عمومی و سپرده‌شده، موضوع‌های بزه به شمار می‌روند. حال اگر این سه بزه به صورت سازمان‌یافته، خواه درون‌سرزمینی و خواه فراملی، صورت گیرد، موضوع بزه همان جان، مال و دارایی عمومی و سپرده‌شده است؛ ولی در اینجا چون سازمان‌یافتگی، چهره گسترده و کلان به بزه داده است، نشانه‌ها و نتیجه‌های آن نیز در سطح جامعه بیشتر نمایان می‌گردد و از این رو، باید گفت سازمان‌یافتگی بزه‌ها، بزه‌دیده نوینی می‌آفریند به نام امنیت اجتماعی.

امنیت اجتماعی (باهمادی) (۲۰) در معنای گسترده، «حالت فراغت همگانی از تهدیدی است که کردار غیر قانونی دولت یا دستگاهی یا فردی یا گروهی در تمامی یا بخشی از جامعه پدید آورد.» (۲۱) ولی ارزیابی تهدیدهایی که بر ضد امنیت اجتماعی وجود دارد، وابسته به دانستن معنای باهماد (اجتماع) است. باهماد در برابر فرد است و هم بر گروه یا دسته‌ای از کسان بار می‌شود و هم بر ملت. در جستارهای فلسفه سیاسی، معنای باهماد گشاده‌دست است ولی از دید جستارهای حقوق بشری، گروه‌ها و دسته‌ها همچون فرد و دارای حقوق و آزادی‌ها هستند. پس اجتماع، دربردارنده معنای گسترده‌تری از گروه و دسته‌های کوچک است. این واژه، دست‌کم از جنگی (مجموعه‌ای) از گروه‌ها آغاز می‌شود و به ملت پایان می‌یابد و از دید باهمادگرایی، ملت شناخته‌شده‌تر و بهتر است؛ چه «اجتماع‌گرایی، نظریه سیاسی ضد آزادی-خواهی است که هواداران آن خواهان بنیاد نهادن سیاست دمکراتیک بر پایه خیر عمومی و

بنابراین رام‌کردن یا حتی از میدان به در کردن سیاست آزادی‌خواهانه رایجی هستند که مبتنی بر حقوق فردی است.» (۲۲)

تهدیدها بر ضد امنیت اجتماعی بیشتر وابسته به سطح باهماد است. نسبت به گروه‌ها و قوم‌ها، دولت بیشترین تهدید را پدید می‌آورد، ولی نسبت به ملت یا بخشی از آن، این افراد هستند که تهدید کننده‌اند؛ زیرا دولت برآمده از ملت است و نمی‌تواند تهدیدی بر ضد آن باشد، مگر در نظام‌های خودکامه، ولی افراد می‌توانند به ملت آسیب برسانند.

برجستگی و شکوه امنیت اجتماعی، به جهت کاهش ارزش دولت و فرد در پایان سده بیستم است. در سال‌های کنونی، در کنار فرد و دولت، باهماد (اجتماع) رخ نموده که به دنبال کامیابی همگانی است. در نزد اندیشمندان مکتب کپنهاگ، آینده دغدغه‌های امنیتی اروپا، نه از رسته امنیت نظامی، بلکه از سنخ امنیت اجتماعی خواهد بود. «امنیت اجتماعی، توانایی اجتماعی را در حفظ ویژگی‌های اصلی خود در شرایط متغیر و تهدیدهای احتمالی یا واقعی مورد توجه قرار می‌دهند. به طور مشخص‌تر، به حفظ الگوهای سنتی همانند زبان، فرهنگ، روابط اجتماعی، هویت دینی و ملی و در عین حال تکامل تدریجی آنها با شرایط قابل پذیرش توجه دارد. مشکل این تعریف در این است که توضیح عینی و روشنی درباره زمان وقوع تهدید علیه امنیت اجتماعی نمی‌دهد. امنیت اجتماعی درباره موقعیت‌هایی است که جامعه تهدیدی را علیه هویت خود احساس می‌کند.» (۲۳) این است که ویور<sup>۱</sup> یکی از نمایندگان این اندیشگاه، بر این باور است که امنیت اجتماعی را باید از امنیت سیاسی (امنیت دولت) جدا کرد؛ زیرا «امنیت سیاسی به ثبات سازمانی دولت‌ها و سیستم‌های آنان و نیز ایدئولوژی‌هایی که به دولت‌ها و فرمانروایی‌ها مشروعیت می‌بخشد، پیوند دارد. در جهان امروز، مرزهای دولت و جامعه به سختی درهم تنیده و هم‌قرینه می‌گردند. بنابراین، کلید جامعه در برگزیده آرمان‌ها و کردارهایی است که افراد را به عنوان اندامی از جامعه می‌شناسانند. در برابر، جامعه از جهت شناسه، خودپنداره‌ای<sup>۲</sup> است از باهمادها و کسان که خود را به عنوان اندامی از یک جامعه معین می‌شناسانند.» (۲۴)

1. Ole Waever  
2. Self- Conception

امنیت اجتماعی تنها گونه‌ای از امنیت است که در نظام قانونگذاری ایران پیشینه داشته و شناخته شده و نخستین بار در یکی از لایحه‌های قانونی دولت دوم محمد مصدق (۱۳۴۵-۱۲۶۱ خ) با عنوان «لایحه قانونی حفظ امنیت اجتماعی» به کار برده شد. این لایحه قانونی هرچند به همراه دیگر لایحه‌های قانونی مصدق، توسط قانون دو مجلس (شورای ملی و سنا) ملغی گردید، ولی درون‌مایه آن در قانون حفظ امنیت اجتماعی مصوب اسفند ۱۳۳۵ پابرجا ماند. طبق ماده ۱ این قانون:

«برای حفظ نظم و امنیت اجتماعی در هر حوزه فرمانداری، کمیسیونی به نام کمیسیون امنیت اجتماعی مرکب از فرماندار، رئیس دادگاه شهرستان و در صورت نبودن رئیس دادگاه شهرستان رئیس دادگاه بخش، دادستان، رئیس شهربانی و رئیس ژاندارمری و نماینده نخست‌وزیری به ریاست فرماندار تشکیل می‌شود. بر اساس ماده ۲ وظایف کمیسیون مزبور عبارت است از:

الف- رسیدگی به عمل شخص یا اشخاصی که در شهرها و دهات مردم را به ضدیت با یکدیگر تحریک نمایند به نحوی که موجبات سلب آسایش و اختلال در نظم و آرامش را عملاً فراهم سازند.

ب- رسیدگی به عمل شخص یا اشخاصی که کشاورزان را به امتناع از عمل کشت یا جلوگیری از ورود مالک به ملک خود یا ممانعت از مداخلات و عملیات او در ملک مطابق حق مالکیت یا به قسمی که مانع از انجام وظیفه مأمورین دولت باشد وادار نمایند و همچنین رسیدگی به عمل کسانی که به نحوی از انحا در امر واردکردن و خرید و فروش مواد مخدر دخالت نموده یا در پیشرفت مقاصد خلاف قانون اشخاص مذکور کمک نمایند.»

تهدیدهایی که امنیت باهمادی را نشانه می‌روند، بیشتر در زمره تهدیدهای خشن و آشکار مانند آشوب، اقدام‌های تروریستی و محاربه‌اند، در حالی که بزه‌های سازمان‌یافته به جهت داشتن چهره سودانگاران کمتر بر چرخ خشونت به جنبش در می‌آیند و چون در پیکره دوران‌دیشی و برنامه انجام می‌پذیرند، اندک آشکار می‌گردند. رفتارهای بزهکارانه سازمان‌یافته در پس میزها و در اندرون ساختمان‌ها اندیشیده می‌شوند و از سوی مغزهای پنهان راهنمایی

می‌گردند. در این میان، اگر رنگ فراملی نیز به خود بگیرند، پیش از آنکه امنیت اجتماعی را کم‌رنگ سازند، تهدیدی بر ضد امنیت سرزمینی (ملی) خواهد بود. این است که گفته‌اند:

«جرائم سازمان‌یافته، دولت و همه نظام‌های اجتماعی را بر می‌انگیزد تا برای مبارزه با آنها به وضع قوانین جدید و به ویژه اتخاذ تدابیر همکاری‌های بین‌المللی مبادرت ورزند. اینجاست که کیفر دوباره مشروعیت پیدا می‌کند. این روند در تمام دموکراسی‌ها وجود دارد. تفکیک سنتی میان پلیس متمرکز و پلیس اشتراکی و مردمی، رفته رفته مستعد آن می‌شود که توانایی‌های خود را از دست بدهد.» (۲۵)

نکته دیگری که سبب می‌گردد سازمان‌های جنایی سازمان‌یافته به عنوان چالش امنیتی خوانده شوند، هم‌آوردی آنها با دولتهاست. این هم‌آوردی به ویژه در دوران جنگ سرد برجسته شد، ولی به دلیل هم‌آوردی ایالات متحده و شوروی کمتر به چشم آمده و به عنوان چالش امنیتی برجسته نمی‌شدند؛ وگرنه در همان دوران، «کوزا نوسترا همچون یک دولت غیر قانونی از فرمانرانی نامشروع خود بر سیسیل پشتیبانی می‌کرد، پایتختش را پالمو می‌دانست. سرزمین‌های زیر فرمانرانی‌اش را به چند استان بخشیده و هر استانی را به بخش‌هایی نامگذاری کرده بود و دارای پایگان‌بندی‌ای (سلسله‌مراتب) بود که بر پایه امنیت و رازداری جا گرفته بود» (۲۶). ولی پس از جنگ سرد، نگرانی دولتها در برابر بزه‌های سازمان‌یافته افزایش یافته و برخی را به این باور رسانده که «پیدایش گروه‌های تروریستی و سازمان‌های جنایی فراملی را تولد نامشروع یک نظام جدید در عرض دولت می‌دانند و آنها را نوعی بازیگر در عرض دولت یا سازمان‌های بین‌المللی می‌دانند که برای حاکمیت دارای خطر امنیتی است.» (۲۷)

حال باید دید در برابر گروهی از بزه‌کاران که همچون تروریست‌ها قانون دولت را نمی‌پذیرند یا آن را بر نمی‌تابند و برای خویش هنجار و قانون جدایی دارند، پلیس چه واکنشی دارد و چه چاره‌اندیشی‌هایی باید به کار گیرد؟ آیا پلیس در برابر بزه‌های سازمان‌یافته به ویژه اگر چهره فراملی داشته باشند، شایستگی پیگرد و پیشگیری را دارد یا اینکه کنش سازمان‌های جنایی را باید همچون تهدید امنیت ملی دانست که در حالت عادی با رویکرد سیاسی و

همکاری بین‌المللی باید با آن برخورد کرد و در حال تغییر عادی باید از طریق امنیتی کردن و بهره‌گیری از نیروهای مسلح به سازمان‌های جنایی تاخت؟

### ج. پلیس بر ضد بزه‌های سازمان‌یافته

پلیس در راستای پیشگیری از بزه‌های سازمان‌یافته و پیگیری بزهکاران آن، با دو چالش برجسته روبروست. نخست از جهت چిستی بزه، بدین معنا که بزه‌های سازمان‌یافته آیا در رسته دیگر بزه‌ها هستند تا پلیس از رهگذر برنامه‌های عادی خود بتواند در رویارویی با آنها پیروز گردد یا اینکه این دسته از بزه‌ها اقدامی بر ضد امنیت اقتصادی و ملی است و باید با نیروی افزوده و برنامه نوین به پیکار با آنها پردازد؟ چالش دوم، در ویژگی بزهکار است. بزهکاران سازمان‌یافته، به راحتی پنهان و آشکار می‌گردند و در حالی که به قانون به طور فریبکارانه روی می‌آورند، کاستی‌ها و راه‌های گریز از آن را می‌دانند و از همه فراتر، در نهاد پلیس رخنه می‌کنند. اینان به گواهی‌ها، «کسانی هستند که به عقل و درایت دروغین خود مباحثات می‌کنند، به تقبیح اعمال مراجع اقتدار مبادرت می‌نمایند و اقتدار ایشان را زیر سوال می‌برند تا قوانین را با گفتارهای عمومی خود در این خصوص متزلزل کنند که هیچ چیز جرم نیست، مگر آنکه بر حسب طرح‌ها و توطئه‌های ایشان جرم تلقی شود. چنین کسانی، همچنین، در موضع ارتکاب جرائمی چون حقه‌بازی و فریب همسایگان قرار می‌گیرند؛ زیرا گمان می‌کنند نقشه‌ها و توطئه‌های پیچیده و ظریفشان را کسی در نمی‌یابد.» (۲۸)

پلیس، بر حسب وظیفه‌اش در برآوردن امنیت، بیشتر به تهدیدهای بیرونی روی می‌آورد و بزهکاران سازمان‌یافته را در پیرامون مرزها یا در فراز راه‌های زمینی، دریایی و هوایی می‌جوید، ولی باید اندیشید آنچه پلیس بیشتر آنها را می‌بیند یا با آنها درگیر می‌شود، بازوان سازمان‌های جنایی است، نه مغز آنها. این است که گفته‌اند:

«سازمان‌های جنایی فراملی در «دولت خویش» از حقوق شهروندی بهره برده و از آنجا خواسته‌ها و برنامه‌های خود را راه می‌برند. در «دولت میزبان» رفتارهای بزهکارانه را انجام می‌دهند و فرآورده‌های خود را می‌فروشند. در «دولت واسطه‌گر» بازدارنده‌های فرستادن کالاها و فرآورده‌ها به دولت میزبان از سر راه بر

می‌دارند و در «دولت خدمات» که قانون‌های بانکی آن بر رازداری پافشاری کرده و پول‌شویی را باز نمی‌دارد و اجازه می‌دهد آورده‌های مجرمانه در امنیت باشند، سرمایه‌گذاری می‌کنند.» (۲۹)

بیشتر رویه بر این است که پلیس با شناسایی بازوان سازمان‌های جنایی، به شناسایی مغز آنها می‌پردازد که این شیوه در بیشتر موردها به فرجام نمی‌رسد و اگر پلیس بتواند بخشی از راه شناسایی کسان راهبر و اندیشه‌ور سازمان‌های جنایی بپیماید، یا در این میان مغزها فرصت گریز را می‌یابند با برقراری پیوند با کانون‌های قدرت، پلیس را از رسیدن به فرجام کار ناکام می‌کنند. با این حال، پلیس در برابر بزهکاران سازمان‌یافته، باید به تدبیرهای نرم و پنهان دست زند. نرم، از آن رو که هسته نخستین سازمان‌های جنایی در پس میزها و در اندرون ساختمان‌های برافراشته شهری‌اند. برای این کسان نیازی به برنامه عملیاتی رزمی، جنگ‌افزار و بسیج کردن نیروها نیست، بلکه باید با خبرگیری و گردآوری دلیل و سند، به طور ناباورانه آنها را در برابر رفتار غیر قانونی‌اش نهاد و در برابر دادگاه نشانده؛ پیش از آنکه بتواند از هوشیاری و رخنه‌گری‌اش بهره بگیرد. و پنهان از آن رو که باید رفتارها، قراردادهای برنامه‌های رهبران سازمان‌های جنایی توسط کسانی زده به طور پنهانی در دید قرار بگیرد و همه راه‌های گریز آنها نیز بسته گردد.

ایران، به دلیل کاستی‌های قوانین کیفری و جایگاه جغرافیایی‌اش، بستر انجام برخی بزه‌های سازمان‌یافته است که قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان، پول‌شویی و فساد اداری برجسته‌ترین نمونه‌های آن است. در این میان، با توجه به قانون‌های کنونی و نیز اندازه اختیارهای پلیس در ایران می‌توان گفت پلیس با دو رویکرد پیشگیرانه و پیگیرانه می‌تواند به مقابله با بزهکاران سازمان‌یافته برخیزد.

## ۱. رویکرد پیشگیرانه

رویکرد پیشگیرانه برای پیش از انجام بزه است و چهره پیشینی دارد. برجسته‌ترین چالش رویکرد پیشگیرانه، هم نسبت به اقدام‌های تروریستی و هم در برابر بزه‌های سازمان‌یافته، رویارویی‌اش با آزادی‌های فردی و حقوق شهروندان است. به همین دلیل، برخی مفهوم بزه‌های سازمان‌یافته را پوشیده و پیکار با آن را یک پیام نمادین دانسته‌اند و به کارگیری تعبیهایی همچون



«فعل‌گشای حقوق کیفری و اصلاحات دستگاه عدالت» برای برنامه‌های رویارویی با بزه‌های سازمان‌یافته را بهانه برای افزایش نیروی پلیس ارزیابی کرده‌اند.» (۳۰) برخی از بزه‌شناسان فرانسوی نیز نظارت و کنترل را بیشتر با چهره سرکوبگرانه که به حقوق کیفری نزدیک است می‌شناساند و آن از پیشگیری جدا می‌کنند. از دید اینان:

«اقدامات پلیس قضایی، قطعاً از نوع سزادهی و سرکوبی است و نه پیش‌گیری. از طرفی، زمانی که واحدهای پلیس نسبت به پیشگیری اجتماعی اقدام و در این نوع برنامه مشارکت می‌کنند، تردیدی نیست که اقدام آن‌ها پیشگیرانه است. اما وضعیت در مواردی که موضوع حضور پلیس یعنی استقرار واحدهای پلیس در یک فضای جغرافیایی معین و گشت‌های پلیس، مطرح است، متفاوت می‌باشد. حضور پلیس در سطح جامعه، اهمیت و اعتباری که به لباس متحدالشکل آنان داده می‌شود و بعضاً حمل اسلحه از طرف آنان، جنبه بازدارنده دارد. لذا می‌توان از پیشگیری سرکوب‌مدار یا از سرکوب پیشگیرانه صحبت کرد.» (۳۱)

با توجه به چیستی تروریسم و ویژگی‌های آن که از جمله آنها انجام رفتارهای خشونت‌بار بر ضد شهروندان بیگناه و ناشناس است، شاید بتوان تدبیرهای پیشگیرانه محدودکننده آزادی‌ها را تا اندازه‌ای پیش کشید. نسبت به تروریسم باید میان تدبیرهای پیشگیرانه و فرایند رسیدگی جدایی انداخت. تدبیرهای پیشگیرانه یا نظارت و کنترل و سخت‌گیری برخاسته از آن، تنها بر شهروندان بار می‌گردد و همه آنها همچون مظنون پنداشته می‌شوند. هراس از تروریسم بهانه‌ای شده تا همه شهروندان یا دست کم بخشی از آنها، با یک چوب زده شوند، به گونه‌ای که برخی حقوقدانان آمریکایی به روشنی می‌گویند: «با افزایش یورش‌های تروریستی، مردم آمریکا باید یکی از این دو راه را بگزینند: یا آزادی‌های فردی، یا بیشترشدن مداخله‌های پشتیبانی‌کننده» (۳۲) به سخن دیگر، نسبت به شهروندان، مفهوم امنیتی کردن در همین گام پیشگیری است و گرنه در فرایند رسیدگی، سخت‌گیری نسبت به کسانی است که یا متهم به بزه تروریستی هستند یا به دلیل انجام این بزه محکوم شده‌اند.

سختگیری نسبت به تروریست‌ها بیشتر چهره شکلی دارد؛ زیرا آیین دادرسی کیفری، استواری حقوق کیفری ماهوی و یکسانی آن را ندارد و گاه‌گاه شیوه‌های رسیدگی با توجه به مرتکب یا چستی بزه، دگرگون می‌شوند. در یک حال به بزهکار می‌اندیشد که بر پایه آن، برای متهمان کم‌سال چون آسیب‌پذیرند، از در آسان‌گیری و مهربانی وارد می‌شود و برای نظامیان که پاسبانان کشور و امنیت ملی‌اند، چهره خشنی رو می‌کند. برخی جاها نیز به گونه و چستی بزه می‌پردازد، که در اینجا از شیوه‌های نوین برای پیگیری یا تعیین دادگاه شایسته بهره می‌برد، مانند به کارگیری مقررات شکلی ویژه برای بزه‌های سایبری و در حالتی نیز، هم به شخصیت بزهکار و هم به چستی بزه‌اش توجه دارد که اینجا نیز شایسته آن می‌داند تا روش‌های رسیدگی جداگانه‌ای را بیازماید. بزه‌های تروریستی و بزه‌های سازمان‌یافته در اینجا قرار می‌گیرند. در همه رسیدگی‌های بالا، قانونگذار از همه یا برخی اصل‌ها و گزاره‌های شناخته‌شده رسیدگی کیفری دور می‌شود و آیین دادرسی کیفری جداگانه (افتراقی) پیشنهاد می‌کند. با این حال؛ یکی از ویژگی‌های آیین دادرسی کیفری افتراقی در رسیدگی به تروریسم، امنیت‌گرایی مقررات است.

در عین حال، درباره بزه‌های سازمان‌یافته، نمی‌توان همان شیوه‌ای را گزید که برای کنش‌های تروریستی هست؛ زیرا بزه‌های سازمان‌یافته با وجود پیوند تنگاتنگ با تروریسم، از دو جهت با این پدیده فرق دارند. نخست آنکه، کمتر چهره خشونت‌بار دارند و این بهانه امنیتی کردن توسط پلیس در راستای پیشگیری از یورش‌های غافلگیرانه را از میان بر می‌دارد و دوم اینکه، بستر انجام رفتارهای سازمان‌یافته بر وارونه تروریسم، علنی و در جاهای پر رفت و آمد نیست. مغز سازمان‌های جنایی در ساختمان‌ها و بازوان آنها، بیشتر در مرزها یا راه‌ها حضور دارند. از این‌رو، باز هم به بهانه پیکار با بزهکاران سازمان‌یافته نمی‌توان در شهرها یا روستاها طرح امنیتی ریخت یا آزادی‌ها را محدود ساخت. از این‌رو، افزایش اختیارات پلیس برای اقدام‌های پیشگیرانه، چهره موردی و ویژه خواهد داشت نه جنبه عمومی و همگانی.

رویکرد پیشگیرانه به بزه‌های سازمان‌یافته درون‌سرزمینی و فراملی، یکی نیست. نسبت به بزه‌های سازمان‌یافته درون‌سرزمینی مانند فساد اداری یا پول‌شویی یا بزه‌هایی که بخشی از رفتار آنها در درون سرزمین ایران رخ می‌دهد؛ مانند شروع به قاچاق انسان (۳۳)، پلیس همه آنچه

قانون در اختیارش نهاده را داراست. بر پایه بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۹، انجام وظایفی که بر طبق قانون به عنوان ضابط قوه قضائیه به عهده نیروی انتظامی محول است، از قبیل: الف - مبارزه با مواد مخدر و ب - مبارزه با قاچاق، نشان‌دهنده رویکرد پیشگیرانه قانونگذار به بزه‌های سازمان‌یافته است. به دید نخست، باید گفت قانونگذار به دو بزه قاچاق مواد مخدر و قاچاق به طور کلی، از در برجسته کردن و هشداردادن برآمده، و گرنه بند «د» که به پیشگیری از وقوع جرم و نیز بند «ه» که به کشف جرایم پرداخته، به گونه‌ای اطلاق‌آمیز، وظیفه پیشگیرانه و پیگیرانه نیروی انتظامی نسبت به همه بزه‌ها از جمله قاچاق را یادآور شده است. بدین حال، واژه «مبارزه» که در بند «الف» و بندهای «ب» به کار رفته، نه تنها دربردارنده رویکرد پیشگیرانه و پیگیرانه است، بلکه نشانگر این است که نیروی انتظامی نسبت به این دو بزه باید با گستردگی و برنامه‌ریزی سراسری اقدام نماید.

رویکرد پیشگیرانه نسبت به بزه‌های سازمان‌یافته داخلی، بسته به رسته و چگونگی بزه نیز فرق می‌کند. نسبت به قاچاق انسان، به ویژه کودکان و زنان و نیز قاچاق مواد مخدر، باید مرزها به طور پیوسته بازرسی شوند. نسبت به برخی از بزه‌ها، تدبیرهای وضعی پلیس به جهت نوع رفتار کم‌رنگ‌تر است. در اینجا، پلیس باید ضابطه‌های هشداردهنده و کنترل‌کننده نامحسوس به کار گیرد؛ زیرا فضای کار جدا از حریم خصوصی افراد است و با آنکه پلیس حق دست‌اندازی به رفتار، گفتار و پندار شخصی کسی را ندارد، ولی نسبت به عملکرد هر کس در محیط کار حق کنترل دارد. به هر حال، پلیس در برابر پول‌شویی باید با بانک‌ها و نهادهای مالی پیوند نزدیک داشته باشد تا در کمترین زمان از جابه‌جایی یا سپرده‌گذاری‌های گمان‌آور آگاهی یابد. همین‌طور، نسبت به فساد اداری، پلیس افزون بر به کارگیری نیروهای آگاه به قانون و امور مالی و اداری، با مجوز قضایی، باید سالی چند بار از تصمیم‌ها و اقدام‌های مدیران و کارمندان دولتی، آگاهی یابد. پلیس، در این زمینه می‌تواند از جنگ‌های (مجموعه‌ها) آموزشی، هشداردهنده، آگاهی‌دهنده و مانند آن در محیط کار کارمندان بهره گیرد.

رویکرد پیشگیرانه نسبت به بزه‌های سازمان‌یافته فراملی، مگر با همکاری دوجانبه یا همکاری بین‌المللی به دست نمی‌آید. در این بستر، پلیس پیرو سیاست بیرونی دولت و شیوه پیوند با دیگر دولتهاست. به همین دلیل، در سال‌های کنونی، با افزایش بزه‌های سازمان‌یافته،

دولت آهنگ همکاری دوجانبه یا چندجانبه را کرده است. برای نمونه، ماده ۱ قانون موافقتنامه همکاری در زمینه مبارزه با جرایم سازمان یافته و تروریسم، بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری قزاقستان، مصوب ۱۳۸۶/۵/۲ پیش‌بینی می‌کند: طرفهای متعاقد اطلاعات راجع به مقابله و پیشگیری از جرایم سازمان یافته و تروریسم را در راستای مقابله و پیشگیری از این گونه جرایم مبادله نموده و در زمینه موضوعات زیر همکاری خواهند نمود:

الف- انجام اقدامات پیشگیری، شناسایی و رسیدگی به جرایم در جهت مبارزه با جرایم سازمان یافته و تروریسم.

ب- مبارزه با مجرمین و جاعلین اسناد، پول، اوراق بهادار و فروش غیرقانونی آنها، جرایم اقتصادی و تطهیر پول.

پ - مبارزه با قاچاق اسلحه، مهمات و مواد منفجره.

ت - مبارزه با قاچاق کالا و اشیاء فرهنگی.

همین طور، ماده ۲ قانون موافقتنامه همکاریهای امنیتی میان جمهوری اسلامی ایران و پادشاهی عربستان سعودی، مصوب ۱۳۸۰/۴/۱۷، مقرر می‌دارد: طرفهای متعاقد در راستای پیشگیری از وقوع جرائم سازمان یافته و تروریسم و بهینه‌سازی فعالیتهای خود در زمینه مقابله با آنها و سایر جرائم یادشده، همکاری‌های زیر را به عمل خواهند آورد:

۱- همکاری در زمینه مبادله اطلاعات در مورد افراد و گروه‌های مربوط به جرائم سازمان یافته و تروریسم.

۲- تبادل تجربیات در مورد زمان، مکان، موقعیت، نوع و روش جرائم سازمان یافته و تروریسم و اقدامات قانونی لازم جهت پیشگیری از آنها.

۳- تبادل کارشناس و متخصص جهت توسعه همکاریهای دوجانبه مشترک در زمینه پژوهش‌های علمی در رشته جرم‌شناسی و کشف جرائم.

۴- برگزاری دوره‌های آموزشی مشترک پلیسی با توافق طرفهای متعاقد.

۵- تشکیل و مبادله گروههای مشترک کاری در زمینه پژوهش‌های علمی در رشته جرم‌شناسی و کشف جرائم.

۶- همکاری در جهت ارتقاء کیفی شیوه‌ها و ابزارهای پیشگیری از جرائم، تأمین امنیت و برقراری نظم عمومی.

همکاری‌های دوجانبه در پیشگیری از بزه‌های سازمان‌یافته، تدبیری شکننده بوده و پیرو خواست و برداشت طرف مقابل است. از این‌رو، اقدام پلیس ایران در پیشگیری از بزه‌های سازمان‌یافته، تا هنگامی تأثیرگذار است که طرف مقابل گرایش به همکاری داشته باشد. برای نمونه، ماده ۶ قانون موافقتنامه همکاریهای امنیتی میان جمهوری اسلامی ایران و پادشاهی عربستان سعودی، مصوب ۱۳۸۰/۴/۱۷ می‌گوید: «هرگاه از دید یکی از طرفهای متعاقد، انجام درخواست طرف دیگر در زمینه همکاری و یا تبادل اطلاعات به یکی از مورد‌های زیر بیانجامد، طرف مورد درخواست حق خواهد داشت از انجام درخواست خودداری نماید:

- ۱- به امنیت و منافع ملی طرف مورد درخواست آسیب رساند.
- ۲- حاکمیت ملی طرف مورد درخواست را نقض کند یا با مقررات داخلی آن تعارض داشته باشد.»

## ۲. رویکرد پیگیرانه

رویکرد پیگیرانه، مربوط به چاره‌اندیشی‌های پس از رخ‌دادن بزه‌های سازمان‌یافته است. بر پایه بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی، کشف جرایم، بازرسی و تحقیق و حفظ آثار و دلایل جرم بر عهده این نیروست. از نگاه قانون آیین دادرسی کیفری، نیروی انتظامی ضابط دادگستری محسوب و در برابر سه رسته از بزه‌ها، سه وظیفه جداگانه دارد. درباره بزه‌های مشهود، چنانچه در این جرائم، بازداشت متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ شود و حداکثر تا مدت ۲۴ ساعت می‌تواند متهم را تحت نظر نگهداری نموده و در اولین فرصت باید مراتب را جهت اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع مقام قضایی برساند. مقام قضایی در خصوص ادامه بازداشت یا آزادی متهم تکلیف می‌نماید. (ماده ۲۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸) درباره جرایم غیرمشهود، مراتب را جهت کسب تکلیف و اخذ دستور لازم به مقام ذیصلاح قضایی اعلام می‌کند و در خصوص جرائم مشهود، تمامی اقدامات لازم را به

منظور حفظ آلات و ادوات و آثار و علائم و دلایل جرم و جلوگیری از فرار متهم یا تبانی، معمول و تحقیقات مقدماتی را انجام و بلافاصله به اطلاع مقام قضایی می‌رسانند. (ماده ۱۸ قانون پیش گفته) و درباره بزه‌های مشکوک، هرگاه علائم و امارات وقوع جرم مشکوک بوده یا اطلاعات ضابطین دادگستری از منابع موثق نباشد، قبل از اطلاع به مقامات قضایی، تحقیقات لازم را بدون اینکه حق دستگیری یا ورود به منزل کسی را داشته باشند، به عمل آورده و نتیجه را به مقامات یادشده اطلاع می‌دهند. (ماده ۲۲ قانون پیش گفته)

با توجه به رویکرد قانونگذار به بزه‌های مشهود و نامشهود، باید پذیرفت در پیگیری بزه‌های سازمان‌یافته درون‌سرزمینی، اختیارات قانونی نیروی انتظامی کم است؛ چه بزه‌کاران سازمان‌یافته با برنامه‌ریزی و هوشیاری، رفتار غیرقانونی خود را انجام می‌دهند و با توجه به مکان بزه که بیشتر در درون ساختمان‌ها و نهادهاست، این احتمال که پلیس بتواند در هنگام رخ‌دادن بزه حاضر گردد، کم است. از این‌رو، پلیس در بیشتر جاها باید مجوز قضایی همراه داشته باشد.

نسبت به بزه‌های سازمان‌یافته فراملی، همچون حالت پیشگیری از بزه، تنها راهی که پلیس ایران بتواند بزه را به طور بایسته بشناسد و به بزه‌کاران دست یابد، همکاری‌های دوجانبه حقوقی و استرداد بزه‌کاران میان ایران و دیگر کشورهاست. از این‌رو، دولت ایران پیش از هر چیز باید با کشورهای همسایه این موافقت‌نامه‌های دوجانبه یا چندجانبه را بیاندیشد تا راه‌گریز دریایی و زمینی برای بزه‌کاران بسته گردد. در گام پسین، دولت ایران باید با دولتهایی رایزنی کند که نظام قانونی یا قضایی این کشورها در پیکار با بزه‌کاران سازمان‌یافته ناتوان است؛ چه در این کشورها، بزه‌کاران سازمان‌یافته امنیت بیشتری دارند تا کشورهایی که دغدغه پیکار با بزه‌های سازمان‌یافته دارند.

قانون‌گذار ایران در سال‌های کنونی، با آنکه هیچ‌گاه تلاش نکرده بزه‌های سازمان‌یافته را در قانون‌های ماهوی تعریف کند و عنصرهای تشکیل‌دهنده‌اش را بازگوید، ولی در موافقت‌نامه‌های بین‌المللی کوشیده تهدید بزه‌های سازمان‌یافته فراملی را دریابد. از این‌رو، با برخی از کشورها، موافقت‌نامه‌هایی در راستای پیگرد بزه‌های سازمان‌یافته امضا کرده است. طبق ماده ۶ قانون موافقت‌نامه همکاری امنیتی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری ایتالیا، مصوب

۱۳۸۲/۱۰/۲۳، طرفین، همکاری بین دفاتر مرکزی اینترپل دو کشور را به طرق زیر تقویت نموده و توسعه خواهند داد:

- مبادله اطلاعات در مورد قاچاق انسان و در مورد تشکیلات جنایتکارانه‌ای که آن را اداره می‌کنند.

- ارسال هرچه سریعتر اطلاعات به همراه عکس، اثر انگشت و سوابق تخلف اتباع دستگیر شده در خاک کشور دیگر به دفتر مرکزی اینترپل در کشور طرف مقابل.

- ارسال هرچه سریعتر اطلاعات به همراه عکس، اثر انگشت و سوابق تخلف اتباعی که در فعالیتهای جرائم سازمان‌یافته یا تروریسم در قلمرو کشور مقابل دخالت داشته‌اند به دفتر مرکزی اینترپل در کشور طرف مقابل.

در ماده ۷ این قانون به فعالیت‌های کارآگاهی پرداخته شده است. بر پایه این ماده، همکاری در زمینه مبارزه علیه جرائم سازمان‌یافته و تروریسم و جستجوی افراد فراری مظنون به ارتکاب اقدامات تبهکارانه یا تروریستی، از طریق دفاتر اینترپل دو کشور صورت خواهد گرفت. هریک از طرفین، براساس ابتکار عمل خود یا درخواست طرف مقابل، در قلمرو خود دست به فعالیتهای کارآگاهانه، از جمله جستجوی افراد مظنون و مقصر خواهد زد. آن بخش از نتایج این عملیات کارآگاهانه که به طرف مقابل مربوط شود، از جمله اطلاعات مربوط به صاحبان شماره‌های تلفن ثابت یا همراه یا اموال توقیف یا مصادره شده، برای تحقیقات بیشتر در قلمرو کشور دیگر، مورد مبادله طرفین واقع می‌شود.

ماده ۳ قانون موافقتنامه همکاری در زمینه مبارزه با جرایم سازمان‌یافته و تروریسم بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری قزاقستان، مصوب ۱۳۸۶/۵/۲، به برجسته‌ترین راهکار پیگرد سازمان‌های جنایی یعنی داد و ستد اطلاعات پرداخته است. طبق این ماده، تبادل اطلاعات در پرتو همکاری برای اقداماتی که باید در مورد جرایم سازمان‌یافته و تروریسم و اشخاص یا گروههای مسئول این‌گونه جرایم و سازمانهای آنها، به عمل آید، تحقق خواهد پذیرفت و طرفهای متعاقد در موارد زیر همکاری خواهند نمود:

الف - مشخص کردن افراد و گروههای مربوط به جرایم سازمان‌یافته و تروریسم.

ب - تبادل اطلاعات و تجربیات در مورد زمان، مکان، موقعیت، نوع و روش جرایم و تروریسم و نیز اقدامات قانونی لازم جهت پیشگیری از آنها.

پ- تبادل کارشناس و متخصص جهت توسعه همکاریهای دوجانبه برای پیشگیری از جرایم سازمان یافته و تروریسم.

ت- تشکیل و مبادله گروههای مشترک کاری در زمینه کشف جرایم و پژوهشهای علمی در رشته جرم شناسی.

همچنین، بند ت ماده ۱۰ قانون موافقتنامه امنیتی، انتظامی و مبارزه بامواد مخدر بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری یونان، مصوب ۱۳۷۹/۲/۲۷، به اتخاذ تمهیدات هماهنگ در خصوص مبارزه با کلیه اقسام جرایم سازمان یافته پرداخته است. همچنین، بر اساس ماده ۱۱ قانون معاهده اصول مناسبات دوستانه و همکاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری آذربایجان، مصوب ۱۳۸۴/۱/۳۱، طرفهای متعاقد به طور فعال در زمینه مبارزه با جرایم سازمان یافته و بین المللی، قاچاق مواد مخدر، تروریسم، عملیات علیه هوایمایی کشوری، خروج غیرقانونی اموال فرهنگی، صید غیرقانونی ماهیان خاویاری و قاچاق خاویار و کالا، همکاری خواهند نمود. طرفهای متعاقد در این زمینه ها یا دیگر زمینه های مورد علاقه متقابل، قراردادهای جداگانه ای را منعقد خواهند نمود. (۳۴)

در کنار روش های گوناگون پیگیری بزه های سازمان یافته، پلیس باید به خبرگیری بهای بیشتری دهد. این نشان می دهد بزه های سازمان یافته، همچون قتل، سرقت و بزه های خیابانی نیست تا هم میزان مشهودبودنشان بالا باشد و هم به راحتی بتوان آنها را پیگیری کرد. سازمان های جنایی و تروریستی، همچون گروه های برانداز یا دولت های دشمن هستند که گردآوری اطلاعات در خصوص آنها، پیش از هر اقدامی ضرورت می یابد. اینجاست که پلیس باید با نهادهایی مانند وزارت اطلاعات در پیوند همیشگی باشد.

یکی از شیوه های نوین برای خبرگیری، بهره گیری از فناوری اطلاعات است. روش پنهان نگاری<sup>۱</sup> در محیط رایانه، هم تلاش در نگهداری اطلاعات مرتبط با امنیت ملی دارد و هم می تواند اطلاعاتی از تروریست ها را به دست آورد. پنهان نگاری یا رمز نگاری، روش



کدگذاری اطلاعات در حین انتقال آنهاست تا دوراندیشی‌های بایسته برای دست‌نیافتن به آنها فراهم شود. در آغاز، این شیوه توسط آژانس امنیت ملی آمریکا برای پاسداری از اطلاعات امنیت ملی فراهم گردید، ولی در دنباله، بر پایه دستورالعمل تصمیم‌گیری در مورد امنیت ملی مشهور به ان اس دی دی ۱۴۵<sup>۱</sup>، آژانس «با نام امنیت ملی یا نگهداری از داده‌های حساس، مبادرت به کنترل رمزنگاری داده‌های کسان نمود بدون آنکه دسته‌بندی روشنی از داده‌های مورد کنترل پیشنهاد دهد.» (۳۵) در انگلستان نیز نهادی به نام نظارت خبرگیرانه<sup>۲</sup> برای جاسوسی از کسان خطرناک، به ویژه تروریست‌ها بنیاد گرفته که به عنوان مدل سیاست‌گذاری در زمینه اطلاعات شناسانده شده و نخستین بار در سال ۲۰۰۰، با توجه به مدل خبرگیری ملی انگلستان<sup>۳</sup> و در زیر آن پدید آمد. در این مدل، «فرایندی سه‌مرحله‌ای برای بررسی اطلاعات در راستای پیشگیری یا کاهش بزه‌ها و پیکار با باندهای جنایی پیش‌بینی شده است: گام نخست کنکاش و بررسی محیط جنایی از سوی مدیریت عالی خبرگیری، گام دوم شناساندن آگاهی‌های به دست آمده از سازمان‌های جنایی به نهادهای تصمیم‌گیر و گام سوم، بهره‌گیری از تصمیم‌های نهادهای پیش‌گفته جهت پیشگیری یا کاهش بزه. همانند نهاد بالا در سایر کشورها مانند ایالات متحده، استرالیا و کانادا نیز بنیاد گرفت.» (۳۶)

همچنین، بهره‌گیری از افزارهای نوین و علمی، یکی از برجسته‌ترین راهکارهای پیگرد بزهکاران سازمان‌یافته است. به راستی که پیش‌بینی شیوه‌های نوین پیگیری از سوی کارآگاهان، پیروزی بر فریب بزهکارانی است که همواره می‌اندیشند چندین گام از راهکارهای پلیسی پیش هستند. این نکته در ماده ۵ قانون موافقتنامه همکاری امنیتی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری ایتالیا نیز پیش‌بینی شده است. بر پایه این ماده، طرفین، طبق این قانون، در زمینه تحقیقات علمی و مبادله اطلاعات فنی مربوط به نظم و امنیت عمومی، ارتقاء شیوه‌ها و ابزار و آلات پیشگیری و مقابله با جرایم و تبادل نمونه‌های ابزار و آلات در اختیار پلیس، در صورت تقاضای یکی از طرفین، با یکدیگر همکاری خواهند کرد.

1. NSDD 145 (National security decision directive)

2. Intelligence led policing

3. National Intelligence Model

نکته پایانی اینکه، پیشرفت پلیس در پیکار با بزه‌های سازمان‌یافته، وابسته به همکاری دیگر نهادها و نیز پیش‌بینی نهاد ویژه با اختیارهای روشن در پیگیری بزه‌های سازمان‌یافته است. چون خود پلیس نیز از گزند رخنه‌گری سازمان‌های جنایی دور نیست، نهاد دادسرا باید به طور پیوسته بر عملکرد نهاد ویژه پلیس در پیگیری بزه‌های سازمان‌یافته نظارت داشته باشد. حتی با الگوگیری از برخی کشورها، می‌توان نهاد ناوابسته‌ای برای سرکوب بزه‌های سازمان‌یافته پیش‌بینی کرد که پلیس بازوی آن به شمار رود. در انگلستان به موجب قانون بزه‌های سازمان‌یافته شدید و پلیس، مصوب ۲۰۰۵، نهادی به نام آژانس بزه‌های سازمان‌یافته شدید بنیاد گذاشته شد که «پلیس از رهگذر خبرگیری از بزه‌های سازمان‌یافته شدید، با این نهاد همکاری می‌کند.» (۳۷) این قانون، همچنین از مردم چشم دارد که در برابر پرسش‌های پلیس برای پیگرد بزه‌های سازمان‌یافته شدید، پاسخگو باشند.

### مؤخره: پیشگیری از بزه‌های سازمان‌یافته، بستری برای نمود چشم‌انداز

سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی که پیش‌بینی می‌کند: «ایران کشوری است توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل»، بر پایه امنیت اقتصادی و امنیت ملی قرار دارد. در همین سند «کشور امن، مستقل و مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه و پیوستگی مردم و حکومت»، به عنوان یکی از آرمان‌هایی دیده شده که ایران در سال ۱۴۰۴ باید به آن دست یابد.

نباید پنداشت در سده بیست و یکم، همچون گذشته، سامان دفاعی بر بازدارندگی همه جانبه نسبت به تهدید نظامی کشورهای دیگر است. بر عکس، امروزه تهدید کشورها بر ضد ایران بسیار کم‌رنگ‌تر از گذشته شده و در برابر تهدید سازمان‌ها و گروه‌های جنایی سازمان‌یافته، روزبه‌روز در حال گسترش و سایه‌افکنی است. بزهکاران سازمان‌یافته قدرت چشمگیری در طرح‌ریزی اقتصاد بارور و سودرسان دارند. اینان، همچنین، پیوند بسیاری با دولتمردان برقرار می‌کنند و چه بسا در برخی تهدیدهای امنیتی یا بحران‌ها بتوانند عصای دست دولت ناتوان باشند. اینان، گاه بهتر از دولت، خواسته‌های هواداران خود را برآورده می‌کنند،

ولی آنچه در اینجا سنجه بزه‌کاربودن آنهاست، قانون است. بزه‌کاران سازمان‌یافته یا قانون را می‌شکنند یا از کاستی‌های آن بهره می‌گیرند، ولی در هر حال، پیرو قانون نیستند و از این دریچه است که خطرناک جلوه می‌کنند.

سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی نظام در سپهر اقتصادی، سیاست بیرونی و امنیت داخلی، باید به گونه‌ای بر قانون استوار گردد که راه بهره‌گیری بزه‌کاران جنایی سازمان‌یافته را ببندد. بنابراین، پیش از آنکه پلیس در زمینه پیشگیری و پیگیری سازمان‌های جنایی اقدام کند، باید دانست بزه‌کاران جنایی سازمان‌یافته، هم از کاستی‌های قانون آگاهی دارند و هم در قدرت نفوذ می‌کنند. بنابراین، پیش از هر اقدامی، باید با پیش‌بینی قانون‌های برابر و کارشناسی‌شده، از قانون‌های بودجه گرفته تا دیگر قانون‌های مالی، راه‌رنه‌گری گروهی و فردی بسته گردد و در گام بعد، باید اندازه فساد اداری با تدبیرهای کیفی، مدنی، اجرایی و اخلاقی در نهادهای دولتی و حاکمیتی کاهش یابد. این دو اقدام، بستر رخنه‌گری سازمان‌های جنایی را خواهد بست و آنها را به نزدیکی مرزهای سرزمینی سوق خواهد داد. در اینجا نیز عملکرد پلیس بسیار راحت‌تر و روشن‌تر از حالتی است که بزه‌های سازمان‌یافته در همسایگی دولت و در درون ساختمان‌ها رخ می‌دهد.

سخن پایانی آنکه، بزه‌های سازمان‌یافته، همچون اقدام‌های تروریستی، پیشگیری بردار نیست و نمی‌توان دلخوش بود که پلیس در پیشگیری و پیگیری آنها به طور کامل پیروز باشد. درباره تروریست‌ها، اگر باید به اندیشه و خواسته آنها آگاهی یافت، درباره بزه‌کاران جنایی نیز باید به دست‌های پنهان آنها در قدرت از یک سو و سالم‌سازی بستر اداری، تجاری و اقتصادی، از سوی دیگر توجه داشت. از این رو، بزه‌های سازمان‌یافته، به ویژه اگر چهره فراملی داشته باشند، چالش امنیتی به شمار می‌روند و چالش امنیتی را بر دوش ضابط دادگستری گذاشتن به معنای خواست بیش از توان از این نهاد است. در عین حال، با پیکار همه‌سویه با فساد و اجرای دقیق قانون الحاق ایران به کنوانسیون مبارزه با فساد، مصوب ۱۳۸۷ و نیز با پیوست به کنوانسیون مبارزه با بزه‌های سازمان‌یافته فراملی، می‌توان با برداشتن بزه‌های سازمان‌یافته به عنوان یکی از بازدارنده‌های اصلی سند چشم‌انداز، به سیاست‌های کلی امنیت اقتصادی دلخوش بود تا از رهگذر آن، این آرمان‌ها به دست آید:

- ۱- حمایت از ایجاد ارزش افزوده و سرمایه‌گذاری و کارآفرینی از راه‌های قانونی و مشروع.
- ۲- هدف از امنیت سرمایه‌گذاری، ایجاد رفاه عمومی و رونق اقتصادی و زمینه‌سازی برای عدالت اقتصادی و از بین بردن فقر در کشور است. وضع قوانین و مقررات مربوط به مالیات و دیگر اموری که به آن هدف کمک می‌کند، وظیفه الزامی دولت و مجلس است.
- ۳- قوانین و سیاست‌های اجرائی و مقررات باید دارای سازگاری و ثبات و شفافیت و هماهنگی باشند.
- ۴- نظارت، رسیدگی و قضاوت در مورد جرائم و مسائل اقتصادی، باید دقیق و روشن و تخصصی باشد.
- ۵- شرایط فعالیت اقتصادی (دسترسی به اطلاعات، مشارکت آزادانه اشخاص در فعالیت‌های اقتصادی و برخورداری از امتیازات قانونی)، برای بخش‌های دولتی، تعاونی و خصوصی، در شرایط عادی باید یکسان و عادلانه باشد. (۳۸)

## یادداشت‌ها

1. Jerrold M. Post, *Psychology in addressing the causes of terrorism*, the club de Madrid, 2005, p.8 and 9  
عبدالله خانی، علی؛ *تروریسم‌شناسی*، انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر  
تهران، مرداد ماه ۱۳۸۶، ص ۷۱
2. Mansur, Wisam; "Ali Baba and the forty thieves: an allusion to Abbasid organized crime", *Global Crime*, Volume 9, May 2008, p.9
3. [http://en.wikipedia.org/wiki/organized\\_crime](http://en.wikipedia.org/wiki/organized_crime)
4. N. Fletcher, Jr. Baldwin, Organized Crime, Terrorism and Money laundering in the Americas", *Florida Journal of International Law*, Volume 15, 2002-2003, p.6
5. Bosworth-Davies, Rowan And Salt Marsh, *Money Laundering: a Practical Guide to the New Legislation*, Chapman and Hall, London, 1994, p35
۶. تریف، تری و دیگران، *مطالعات امنیتی نوین*، برگردان علیرضا طیب و وحید بزرگی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، زمستان ۱۳۸۳، ص ۲۹۵
۷. از حیث امنیتی، اقتصاد و حتی مفاسد اقتصادی، در دوران جنگ سرد که همه زمینه‌ها مگر زمینه‌های اقتصادی مهبیای جنگ بین دو ابرقدرت بود، یک‌تنه بازدارنده جنگ جهانی سوم بود. «ودکا کولا» دو نوشیدنی یکی از شوروی و دیگری از ایالات متحده، کنایه از بازدارندگی اقتصاد و بزه‌های اقتصادی از پیش‌آمد جنگ میان این دو ابرقدرت بود که توسط شرکت‌های چندملیتی که توسعه‌دهندگان چیره‌دست فساد در جهان بودند، نمود یافته بود. در عصر «ودکا کولا»، معلوم می‌شود هرچه برای جنرال موتورز خوب است، برای کرم‌لین هم خوب است و اصولاً تهاجم استعمار ودکایی، پدیده طبیعی نبوده و تراوش فکر و حاصل کارگروه معدودی نخبگان حاکم بر دو بلوک بوده است. اینها کسانی بودند که هرچند جز افزایش اقتدار و نفوذ خود به چیز دیگری نمی‌اندیشیدند، اما عملکرد آنها نزدیک بیش از ۴۰ سال به نفع امنیت ملی و امنیت جهانی بود. ر.ک لوونسن، شارل؛ *ودکا کولا: اسراری از روابط پنهانی شرکت‌های چند ملیتی و دول غربی با بلوک شرق*، برگردان غلامعلی سیار، سازمان انتشارات جاویدان، چاپ چهارم، ۱۳۶۸، ص ۴۶۳
8. Swanstorm, Niklas; "The narcotics trade: a threat to security? National and transnational implications", *Global Crime*, Volume 8, February 2007, p.2

۹. شگفت آنکه، نخستین برنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد بر ضد تروریسم نیز پس از پایان یافتن دوران جنگ سرد (سال‌های آغازین دهه نود) اجرا شد. نخستین ضمانت اجراها بر ضد لیبی به کار گرفته شد. رک

[Http://www.un.org/terrorism/securitycouncil.shtml](http://www.un.org/terrorism/securitycouncil.shtml)

۱۰. ماندل، رابرت؛ *چهره متغیر امنیت ملی*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۹، ص ۲۹

۱۱. لیمن، مایکل و پاتر، گری؛ *تروریسم*، برگردان سید قاسم زمانی و علیرضا طیب، نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۸۴، ص ۱۹۶

12. Hamm, Mark.S; *Terrorism as Crime*, New York University Press, 2007, p.6

13. Viscusi, W.Kip and Zeckhauser, Richard J; "Sacrificing civil liberties to reduce risks", *The Journal of Risk and Uncertainty*, Volume 26, 2003, p.99

۱۴. آزمایش، سید علی؛ «نگرشی نو به مفهوم تروریسم بین‌المللی (سخنرانی)»، *مجله پژوهش حقوق و سیاست*، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، سال سوم، شماره چهارم، بهار-تابستان ۱۳۸۰ پیشین، ص ۱۸۸

۱۵. عبداللهی، محسن و کیهانلو، فاطمه؛ *سرکوب تروریسم در حقوق بین‌الملل معاصر*، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری، ۱۳۸۴، ص ۸۱

۱۶. لوپارا و کالاشینکف از واژه‌های مافیایی است. لوپارا، تفنگ دولول کوتاه است که در اصل برای شکار گرگ به کار می‌رفت و در آغاز قرن، سلاح رایج در جنایت‌های روستایی شده بود. لوپارا حرفه‌های بزرگی در جسد به وجود می‌آورد. این سلاح مدت‌ها سلاح مورد علاقه مافیا بوده است. کالاشینکف سلاحی است که از تروریسم به عاریت گرفته شده و در سال ۱۹۸۱ وارد سازمان مافیا شده است. از آن پس، بدون چون و چرا به ویژه برای آدم‌کشی‌هایی که دارای بار بزرگ سیاسی است، به کار می‌رود. ظهور این سلاح همچنین به این معنی است که اکنون مافیا به قاچاق اسلحه می‌پردازد. رک

پادووانی، مارسل؛ *آخرین سال‌های مافیا*، برگردان عباس آگاهی، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹، ص ۲۳۸

۱۷. پادووانی، مارسل؛ پیشین، ص ۹۱

18. Thackrah, John Richard, *Dictionary of Terrorism*, Rutledge, London, 2004, p. 188

19. Thompson, Janna; "Terrorism and the right to wage war", in *Terrorism and Justice: Moral Argument a Threatened World*, edited by Tony Coady and Michael O Keefe, Melbourne University Press, 2002, p.87

۲۰. در نگارش فارسی برای *community* بیشتر واژه تازی «اجتماع» به کار برده می‌شود؛ اجتماع در بردارنده کسانی است که بر پایه برخی وابستگی‌ها در کنار هم گرد می‌آیند و البته جاگیری در مکان شناخته‌شده، از ویژگی‌های آن نیست. از این رو همچنانکه برخی از نویسندگان به درستی دریافته‌اند، آنچه *community* در فلسفه سیاسی است، با هم بودن است و از این رو خشایار دیهیمی به پیروی از احمد کسروی،

واژه «باهماد» را به کار گرفته و در برابر داریوش آشوری با روی آوردن به بخش‌بندی‌های مکانی، واژه «باهمستان» را خوش‌تر دانسته است. ر.ک

دیپیمی، خشایار؛ «پیشگفتار» در *فلسفه سیاسی*، نوشته جین همپتن، انتشارات طرح نو، چاپ دوم، ۱۳۸۵، ص ۱۰

۲۱. آشوری، داریوش؛ *دانشنامه سیاسی*، انتشارات مروارید، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۶، ص ۳۹

۲۲. لپیست، سیمور مارتین؛ *دایره‌المعارف دمکراسی*، ترجمه کامران فانی و دیگران، جلد ۱، چاپ مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ دوم، زمستان ۱۳۸۳، ص ۱۲۷

۲۳. موتیمر، دیوید؛ «فراتر از راهبرد: تفکر انتقادی و مطالعات نوین امنیتی»، در *امنیت و راهبرد در جهان معاصر*، با ویرایش کریگ. آ. آشنایدر، برگردان اکبر عسگری صدر و فرشاد امیری، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۱

24. Waever, Ole; "Securitization and desecuritization", in *International Security*, Volume 3, *Widening Security*, edited by Barry Buzan, and Lene Hansen, Sage Publication, 2007, p.83

۲۵. گلپزال، ژان؛ «امنیت، پلیس و جرم»، برگردان علی اوسط جاوید زاده، *نشریه امنیت*، سال اول، شماره سوم، دیماه ۱۳۷۶، ص ۳۷

26. Balsamo, Antonio; "organized crime today: the evolution of the Sicilian Mafia", *Journal of Money Laundering Control*, Volume 9, 2006, p.376

۲۷. تریف، تری و دیگران؛ *مطالعات امنیتی نوین*، برگردان علیرضا طیب و وحید بزرگی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، زمستان ۱۳۸۳، ص ۲۹۵

۲۸. هابز، توماس؛ *لویاتان*، با ویرایش سی بی مکفرسون، برگردان حسین بشریه، نشر نی، چاپ سوم، ۱۳۸۴، ص ۲۷۷

29. Hough, Peter; *Understanding Global Security*, Routledge, 2004, p.223

30. Galderoni, Francesco; "A definition that could not work: the EU framework decision on the fight against organized crime", *European Journal of Crime, Criminal Law and Criminal Justice*, Volume 16, 2008, p.265

۳۱. ابراهیمی، شهرام؛ *پیشگیری از جرم در چالش با موازین حقوق بشر*، رساله دکتری حقوق جزا و جرم-شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، خرداد ۱۳۸۷، ص ۱۰۲

32. Dowley, Michael; "Government surveillance powers under the USA PATRIOT Act: Is it possible to protect national security and privacy at same time? A constitutional Tug-of-war", *Suffolk University Law Review*, Volume 36, 2002, p.165

۳۳. طبق قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳، مرز سرزمینی نقش برجسته در انجام بزه قاچاق، دارد. بر پایه ماده ۱ این قانون، قاچاق انسان عبارتست از: الف - خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت مجاز یا غیرمجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور با اجبار و اکراه یا تهدید یا خدعه و نیرنگ و یا با سوءاستفاده از قدرت یا موقعیت خود یا سوءاستفاده از وضعیت فرد یا افراد یادشده، به قصد فحشا یا برداشت اعضا و جوارح، بردگی و ازدواج.

ب - تحویل گرفتن یا انتقال دادن یا مخفی نمودن یا فراهم ساختن موجبات اخفاء فرد یا افراد موضوع بند (الف) این ماده پس از عبور از مرز با همان مقصود.

ولی شروع به این بزه قابل ارتکاب در درون سرزمین ایران است. بر پایه تبصره ۲ ماده ۳ قانون گفته شده، کسی که شروع به ارتکاب جرائم موضوع این قانون نماید، لیکن نتیجه منظور بدون اراده وی محقق نگردد، به شش ماه تا دو سال حبس محکوم می گردد.

۳۴. همچنین، باید ماده ۱۳ قانون معاهده اساس روابط متقابل و اصول همکاریهای جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بلاروس، مصوب ۱۳۸۶/۳/۱۲ انگشت نهاد که پیش‌بینی می‌کند: طرفین به صورت دو و چندجانبه در راستای مبارزه با تروریسم بین‌المللی، جرایم سازمان‌یافته پول‌شویی و سایر سرمایه‌هایی که از راههای غیرقانونی به دست آمده‌اند، حمل و نقل و تجارت غیرقانونی اسلحه، مواد مخدر و داروهای روان‌گردان، انواع قاچاق از جمله میراثهای فرهنگی و تاریخی دو کشور، همکاری می‌نمایند. همسان با مفاد همین ماده در ماده ۱۴ قانون معاهده اساس روابط متقابل و اصول همکاریهای جمهوری اسلامی ایران و اوکراین، مصوب ۱۳۸۲/۷/۸ نیز پیش‌بینی شده است.

ماده ۴ قانون موافقتنامه همکاری امنیتی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری ایتالیا، مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۲۳ نیز به روشهای همکاری اشاره می‌کند که بر پایه آن، طرفین به منظور پیشگیری و مبارزه با جرایم سازمان‌یافته فراملی و تروریسم و سایر جرایم یاد شده در این موافقتنامه، همچنین در زمینه‌های ذیل، با یکدیگر همکاری خواهند کرد:

- مبادله اطلاعات در مورد افراد و گروههای دخیل در جرایم فوق.
- مبادله اطلاعات در مورد قوانین حاکم بر جرایم پیش‌بینی شده در این موافقتنامه.
- مبادله کارشناسان و متخصصین بر مبنای درخواست یکی از طرفین.
- برگزاری دوره‌های آموزشی مشترک برای کارشناسان وزارت کشور و نیروهای پلیس، که در چارچوب توافقات رسمی جداگانه‌ای اقدام خواهد شد.
- مبادله اطلاعات و تجربیات در زمینه کنترل تردد از مرزها و حضور اتباع خارجی تحت تعقیب مراجع قضایی در هر یک از دو کشور.
- مبادله اطلاعات و تجربیات در مورد تدابیر اتخاذ شده برای امنیت حمل و نقل جاده‌ای، ریلی، دریایی و هوایمایی کشوری.
- مبادله تجربیات در مورد سازمان‌دهی، اداره، تعلیم و آموزش نیروهای پلیس.
- مبادله اطلاعات و تجربیات در مورد تسلیحات و مهمات، مواد منفجره، مواد هسته‌ای و سایر مواد رادیواکتیو و مواد شیمیایی و میکروبی خطرناک. درخواستهای مربوط به دریافت اطلاعات می‌بایست همراه با خلاصه‌ای از دلایل توجیهی آن، به مقامات ذی صلاح مسؤول اجرای موافقتنامه حاضر که در ماده (۸) به آنها اشاره شده، ارائه شود.



35. Franks, Renae Angerth; "The national security agency and its interference with private sector computer security", *Lowa Law Review*, Volume 72, 1986- 1987, p. 1022

36. Jensen, Neil.J; "Technology and Intelligence", *Journal of Money laundering Control*, Volume 8, no 3, 2005, p. 228

37. Fitzpatrick, David; crime fighting in the twenty first century?, *Journal of Money Laundering Control*, Volume 9, 2006, p.130

۳۸. این بندهای پنجگانه، بخشی از سیاست‌های کلی ابلاغ شده به عنوان سیاست‌های کلی نظام است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی